

واکاوی سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جنگ اوکراین

عماد هلالات^۱، * مهدی جاودانی مقدم^۲

۱. دکتری روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. هیئت علمی و استادیار دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

اطلاعات مقاله

چکیده

جنگ روسیه و اوکراین از مهم‌ترین تحولات قرن جدید است که با واکنش‌های متفاوت دولت‌ها مواجه شده است. در این میان، عربستان سعودی به‌عنوان یکی از بازیگران استراتژیک منطقه خاورمیانه، رویکرد محافظه‌کارانه‌ای را با وجود شراکت راهبردی با ایالات متحده آمریکا پیگیری کرده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال اصلی است که سیاست خارجی عربستان در قبال جنگ اوکراین چه بوده و تحت تأثیر چه متغیرهایی شکل گرفته است؟ یافته‌های این پژوهش که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و در چهار چوب واقع‌گرایی نئوکلاسیک مورد ارزیابی قرار گرفته نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از متغیرها مانند برداشت نخبگان حاکم در عربستان از ماهیت جنگ اوکراین در کنار عملکرد ایالات متحده در سال‌های اخیر در قبال تحولات منطقه غرب آسیا به‌ویژه در قبال جمهوری اسلامی ایران و پیگیری دکترین‌های بحران‌محور و کاهش تعهدات آن در این منطقه، تغییرات ساختاری در نظام بین‌الملل و الزامات چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی باعث شده که این کشور سیاست «متوازن» (نه «خنثی») را در قبال جنگ اوکراین پیش بگیرد تا روابط خود را با دو طرف منازعه حفظ کند.

تاریخ دریافت: ۱۳ تیر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۳ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۱۵ شهریور ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

جنگ اوکراین، عربستان سعودی، ایالات متحده آمریکا، روسیه، سیاست خارجی.

* نویسنده مسئول:

دکتر عماد هلالات

نشانی:

دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
پست الکترونیک:
emad.helalat1357@gmail.com

استناد به این مقاله:

هلالات، عماد و جاودانی مقدم، مهدی. (۱۴۰۳). واکاوی سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جنگ اوکراین. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۲۶(۲)، ۳۲۸-۳۰۵.

۱. مقدمه

جنگ روسیه و اوکراین از نقاط عطف تاریخی در دوران گذار روابط بین‌الملل است که می‌تواند تغییرات زیادی در ساحت بین‌المللی با توجه به حضور بازیگران متعدد دخیل در آن ایجاد کند. این جنگ که از آن به‌عنوان «آغاز نظم جدید» یا «پایان دوران گذار» یاد می‌شود، هرچند در اروپا به وقوع پیوسته، اما مناطق و بازیگران متعددی را درگیر خود کرده است. یکی از مناطق ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک که مستقیم و غیرمستقیم وارد این بحران شده، منطقه خلیج فارس است. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با توجه به جایگاه و اهمیتی که به‌خصوص در حوزه انرژی دارند، غیرمستقیم خود را در کارزار جنگ اوکراین می‌بینند. در میان این کشورها، عربستان سعودی با توجه به سطح بازیگری که در نظام بین‌الملل دارد بیش از سایر کشورهای این شورا نسبت به این بحران، کنش و واکنش داشته است. این مسئله بیش از همه متأثر از جایگاه عربستان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده نفت و کشوری با شراکت راهبردی و روابط گسترده و خاص با ایالات متحده است که در سال‌های اخیر روابط خود با روسیه را نیز توسعه داده است. شواهد موجود نشان می‌دهد که عربستان سعودی سیاست متوازنی را با توجه به متغیرهای داخلی و خارجی خود در قبال بحران اوکراین به نمایش گذاشته است. این پژوهش تلاش دارد به تبیین چرایی سیاست متوازن عربستان در قبال جنگ اوکراین بپردازد. در این چهارچوب، سوال اصلی این پژوهش این است که سیاست خارجی عربستان در قبال جنگ اوکراین چه بوده و تحت تأثیر چه متغیرهایی شکل گرفته است؟ فرضیه این پژوهش بر این اساس استوار شده که ادراک رهبران سعودی از جنگ اوکراین به‌مثابه یک درگیری پیچیده اروپایی و متأثر از گسترش ناتو به شرق، مشابهت و قرابت ملاحظات ژئوپلیتیک و تهدیدانگاری رهبران عربستان و روسیه نسبت به تهدیدات خارج‌زادیک خود، اقتصاد رانتیر، تحول در روابط ویژه عربستان با ایالات متحده و تغییرات ساختاری در نظام بین‌الملل است که سبب شده عربستان سیاست متوازنی را در جنگ اوکراین در پیش بگیرد تا روابط خود را با دو طرف منازعه حفظ کند.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی آثار و پژوهش‌های موجود در زمینه سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جنگ اوکراین نشان می‌دهد که پژوهشی که به‌صورت مبسوط تبیین‌کننده سیاست خارجی این کشور در قبال این جنگ باشد در داخل کشور تقریباً وجود ندارد. در پژوهش‌های خارجی نیز عموماً بر موضوع

انرژی تکیه شده و واکاوی دقیقی از ابعاد، علل و انگیزه‌های سیاست خارجی عربستان در این زمینه صورت نگرفته است. با وجود این، در ذیل، جدیدترین تحقیقاتی که مرتبط با سیاست عربستان سعودی در قبال جنگ اوکراین منتشر و در این پژوهش استفاده شده، ارائه شده است.

کیندا بکر^۱ و لارین زوپسکا^۲ در پژوهشی در سال ۲۰۲۱ با عنوان «روابط اوکراین و عربستان سعودی: چالش‌ها و چشم‌اندازها برای همکاری بیشتر» روابط عربستان و اوکراین را واکاوی کرده‌اند. این پژوهش ضمن بیان تاریخچه روابط عربستان و اوکراین، محوریت اقتصادی و نیازهای اقتصادی به‌خصوص در حوزه کشاورزی عربستان به اوکراین را عامل اصلی روابط می‌داند و ادعان می‌کند روابط این دو هیچ‌گاه راهبردی و استراتژیک نبوده است.

کاسمین تایموفت^۳ در پژوهشی در سال ۲۰۲۲ با عنوان «فشارهای جنگ اوکراین به عربستان سعودی و امارات و سیاست این دو کشور در قبال بحران» روابط اوکراین و عربستان را بررسی کرده است. این پژوهش تمرکز خود را روی موضوع انرژی گذاشته است. این پژوهش از فشارهای وارد شده به این دو کشور پرده برمی‌دارد و عربستان و امارات را دارای سیاست مشترک در قبال بحران اوکراین ارزیابی می‌کند. فرضیه پژوهش بر این است که عربستان و امارات روابط استراتژیک خود را با روسیه حفظ کرده و به‌رغم فشار ایالات متحده به روابط خود با روسیه ادامه می‌دهند.

نیکول نیکولویچ^۴ در پژوهشی در سال ۲۰۲۲ با عنوان «تأثیر بحران اوکراین بر روابط ایالات متحده با خاورمیانه» تأثیر بحران اوکراین بر روابط ایالات متحده و منطقه خاورمیانه را واکاوی می‌کند. این مقاله موقعیت برخی دولت‌های خاورمیانه از جمله عربستان سعودی در قبال جنگ اوکراین را بررسی کرده و تأکید دارد که برخلاف اکثر کشورهای اروپایی، کشورهای خاورمیانه سیاست نسبتاً بی‌طرفانه‌ای را در مورد عملیات روسیه در اوکراین دنبال می‌کنند. براین اساس، ایالات متحده نتوانسته بدون قید و شرط متحدان خود را علیه روسیه جمع کند. همچنین آمریکا در تضمین کامل تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه نیز شکست خورده است.

-
1. Kinda Bakr
 2. Iryna Zaporizka
 3. Cosmin Timofte
 4. Nikolai Nikolaevich Bobkin

نیکول کوزانف^۵ در کتابی در سال ۲۰۲۲ با عنوان «روابط روسیه با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران» روابط روسیه با کشورهای خلیج فارس را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد روسیه روابط خود را با کشورهای خلیج فارس و ایران در قالب رئالیسم تعامل‌گرا تعریف کرده است. از نظر این کتاب، روسیه نمی‌خواهد جایگزین ایالات متحده در خلیج فارس شود، اما به دنبال گسترش روابط خود با حفظ توازن بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از یک سو و ایران از سوی دیگر است.

شوکت جابروا^۶ در پژوهشی در سال ۲۰۲۳ با عنوان «بحران اوکراین و تأثیر آن بر روابط ایالات متحده و عربستان سعودی» تأثیر بحران اوکراین بر روابط عربستان و آمریکا را بررسی کرده است. این مقاله با تأکید بر اینکه برای کشورها، منفعت و نه دوستی اولویت دارد و گاهی اوقات ممکن است برخی از وقعه‌ها یا اتهامات بین دولت‌های شریک به وجود آید، معتقد است محمد بن سلمان می‌تواند برای استقلال کامل از ایالات متحده تلاش کند و ایالات متحده هم می‌تواند ارزش‌های غربی خود را در مرکز سیاست خارجی اش قرار دهد. با این حال، حقیقت این است که علی‌رغم اینکه عربستان به دنبال گسترش روابط با شرق (روسیه چین و هند) است، اما روابط بین آمریکا و عربستان به زودی از هم نخواهد پاشید، زیرا روابط آنان مبتنی بر نوعی مشارکت و نه اتحاد شکل گرفته و هیچ‌یک از طرفین از پایان دادن به روابط خود سودی نخواهد برد.

عماد هلالات در پژوهش پایان‌نامه کارشناسی ارشد در سال ۲۰۲۲ تحت عنوان «بررسی تطبیقی سیاست خارجی روسیه در قبال عربستان و قطر» روابط روسیه با عربستان و قطر را بررسی کرده است. در این پژوهش به روابط روسیه با عربستان و قطر اشاره شده و در بخشی از آن همکاری روسیه با عربستان در قالب اوپک پلاس و گسترش روابط اقتصادی بین آنان و همچنین روابط روسیه با عربستان، تحولات لیبی، یمن، سوریه و بحرین بررسی شده است.

بررسی پژوهش‌های فوق‌الذکر و سایر آثار موجود نشان می‌دهد که اکثر این پژوهش‌ها صرفاً با تمرکز روی روابط یکی از بازیگران دخیل در این جنگ با عربستان نگاشته شده است. این در حالی است که پژوهش حاضر تلاش دارد با تمرکز روی عوامل داخلی و خارجی در ساخت سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جنگ اوکراین، تحلیل جامعی از ابعاد و

5. Nikolay Kozhanov

6. Shovkat Jabarova

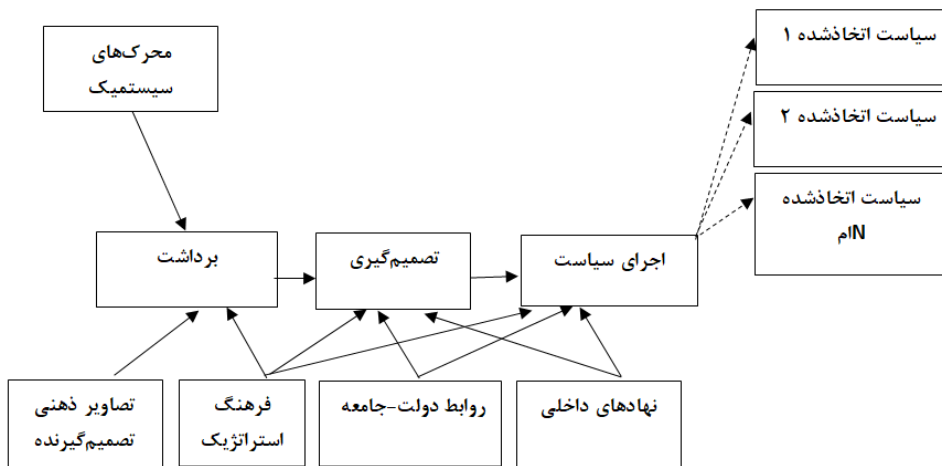
ملاحظات مختلف این کشور در رابطه با ایالات متحده، روسیه و جنگ اوکراین ارائه دهد که این مسئله، آن‌ها را از تحقیقات مشابه فوق‌الذکر متمایز می‌کند.

۳. مبانی نظری: رئالیسم نئوکلاسیک

واقع‌گرایی نئوکلاسیک تلفیقی از واقع‌گرایی کلاسیک و نواقعی‌گرایی است. این نظریه در واکنش به ضدتقلیل‌گرایی بیش از اندازه نواقعی‌گرایی ارائه شده است. نواقعی‌گرایی یک نظریه سیاست بین‌الملل است که تنها نتایج بین‌المللی ناشی از کنش و واکنش‌های کشورهای را تبیین می‌کند. بر اساس این نظریه، کشورها به‌مثابه جعبه سیاهی هستند که عوامل داخلی اعم از فردی و اجتماعی نقش و تأثیری در رفتار و سیاست خارجی آن‌ها ایفا نمی‌کنند. نئوکلاسیک‌ها با مخالفت با این ایده نواقعی‌گرایی اگرچه درصدد نفی مطلق آن نیستند؛ به‌دنبال اصلاح آن هستند تا رفتار و سیاست خارجی کشورهای منفرد و مشخص را نیز تبیین کند (Dehghani Firoozabadi, 2011: 277). در این چهارچوب، واقع‌گرایی نئوکلاسیک، که گیدنون رز ارائه کرده، در تبیین سیاست خارجی و فراتر از آن در توضیح روابط بین‌الملل، از بسیاری از بینش‌های واقع‌گرایی استفاده می‌کند (Moshirzadeh, 2016: 129) بنابراین اندیشمندان این نظریه تلاش می‌کنند که تمرکز واقع‌گرایی کلاسیک را بر ماهیت انسان و متغیرهای داخلی با تأکید نواقعی‌گرایی بر ساختار نظام بین‌الملل در شکل دادن به رفتار دولت ترکیب کنند (Smith, 2019). به‌عبارت‌دیگر، آنان سیاست خارجی را نتیجه روابط پیچیده بین محدودیت‌های ساختار بین‌المللی و عوامل داخلی مداخله‌گر می‌دانند. واقع‌گرایی نئوکلاسیک رویکرد گسترده‌ای را ارائه می‌دهد که به محقق اجازه می‌دهد ویژگی‌های روانی رهبران و پویایی داخلی را با محدودیت‌های ساختاری سیستم بین‌المللی در تحلیل سیاست خارجی تطبیق دهد. برخلاف نواقعی‌گرایی، واقع‌گرایی نئوکلاسیک نیروهای مداخله‌گر در سطح داخلی مانند درک رهبران و نخبگان، مبارزات درون‌نخبگانی، فشارهای داخلی، ادراک نادرست و انسجام اجتماعی را کلید تحلیل فرایند سیاست خارجی می‌داند (Joseph, 2015) بنابراین واقع‌گرایان نئوکلاسیک با گنجانیدن عواملی در سطح داخلی مانند ویژگی‌های شخصی و ادراکات دولتمردان و روابط دولت و جامعه در بررسی سیاست بین‌الملل، از رها کردن دولت در داخل جعبه سیاه آن‌گونه‌که نواقعی‌گرایان ترجیح می‌دهند، امتناع می‌ورزند (Schmidt, 2005).

در این چهارچوب، واقع‌گرایان نئوکلاسیک که اساساً هدفشان روشن کردن جهت‌گیری‌های

سیاست خارجی دولت‌هاست، تأکید می‌کنند که اگرچه فشارهای نظام بین‌الملل، محرک‌های اصلی رفتار دولت‌ها هستند؛ عوامل داخلی نیز نقش مهمی در تبدیل این فرارها به تصمیمات خاص سیاست خارجی دارند. دولت‌ها در یک موقعیت خاص، جایگزین مناسب را مطابق با برداشت تصمیم‌گیرندگان و نخبگان انتخاب می‌کنند بنابراین اگرچه قدرت ملی و موقعیت دولت در ساختار بین‌المللی عوامل تعیین‌کننده در انتخاب سیاست خارجی دولت‌ها هستند؛ متغیرهای داخلی نیز می‌توانند سیاست خارجی آنان را شکل دهند (Omar, 2013). براین اساس، آنان ضمن تأکید بر محوریت قدرت معتقد هستند که نخبگان و رهبران سیاسی واقعی گزینه‌های سیاست خارجی را خلق کرده‌اند و دقیقاً به همین دلیل، برداشت آن‌ها از قدرت نسبی از اهمیت فراوانی برخوردار است بنابراین منابع فیزیکی و کمی قدرت به تنهایی دخیل نیستند. همچنین رهبران و نخبگان همیشه برای استخراج و هدایت منابع مادی ملی، دقیقاً به همان طریقی که مایل‌اند، آزادی کامل ندارند. آن‌ها بر این باورند که تحلیل‌های قدرت همچنین باید قدرت و ساختار مرتبط دولت‌ها با جوامع را بسنجند، زیرا این روابط تأثیر بسیاری در میزان منابع اختصاص یافته برای سیاست خارجی دارند. این بدین معناست که کشورها با توانمندی‌های مادی یکسان ولی با ساختار متفاوت، رفتار مشابهی ندارند. بنابراین واقع‌گرایان نئوکلاسیک معتقدند که فهم ارتباط بین قدرت و سیاست نیاز به سنجشی نزدیک از زمینه‌ای دارد که سیاست خارجی در آن شکل گرفته و اعمال می‌شود (Barzegar and Afshar, 2017 47):.



شکل ۱: مدل نئوکلاسیک سیاست خارجی (Ak ne, 2018)

با توجه به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر در تلاش است که با استفاده از رویکرد واقع‌گرایی نئوکلاسیک نشان دهد که چگونه عوامل داخلی و خارجی باعث شده عربستان در قبال بحران اوکراین یک سیاست متوازن اتخاذ کند. هیئت حاکمه عربستان بحران جاری در اوکراین را ناشی از تغییرات جاری در نظام بین‌الملل آنارشیست می‌داند و توسعه و گسترش ناتو به شرق را عامل اصلی بحران تلقی می‌کند. این مسئله دقیقاً مشابه تجربه‌ای است که عربستان سعودی در قبال یمن داشته است. علاوه بر این، عربستان با روی کار آمدن بن سلمان ضمن حفظ روابط خود با ایالات متحده به دنبال گسترش روابط با روسیه و چین و ایفای نقش مستقل‌تر و بیشتر با توجه به توانمندی‌های خود در نظام بین‌الملل است (Helalat, 2022: 120). از سوی دیگر، عربستان سعودی افق همکاری‌های مختلفی را با روسیه در قالب اوپک پلاس، تحولات خاورمیانه، اقتدارگرایی حاکم در نظام دو کشور و متغیر ایران در سیاست خارجی خود در این بحران ارزیابی می‌کند که مجموعه این عوامل سبب شکل‌گیری سیاست خارجی متوازن آن در قبال جنگ اوکراین در میانه روابط با روسیه و ایالات متحده شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۴. ماهیت و ساختار سیاست‌گذاری خارجی در عربستان سعودی

ادراک سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جنگ اوکراین، مستلزم شناخت ماهیت و ساختار سیاست‌گذاری خارجی در این کشور و نقش هر یک از عوامل داخلی و خارجی در شکل‌دهی به تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی آن است. در این میان، با توجه به کاربست نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک در این پژوهش، سیاست خارجی این کشور را می‌توان محصول اندرکنش متغیرهای زیر دانست:

۴-۱. نقش ساخت داخلی قدرت و حاکمیت در سیاست خارجی عربستان

حکومت عربستان، پادشاهی و ماهیت ساختار قدرت در آن منحصربه‌فرد است که همه چیز در خاندان سعودی خلاصه می‌شود؛ تا آنجا که عربستان سعودی تنها کشوری در جهان است که نام خاندان حاکم را به صورت رسمی به نام کشور خود افزوده است. مهم‌ترین امر در این خاندان، پایداری و تسلط این قبیله به هر قیمت در پادشاهی عربستان است. در این کشور پادشاه در سلسله مراتب قدرت، مرجع عالی قانون‌گذاری و اجرایی به‌شمار می‌آید و گاهی ممکن است اعمال مرجعیت قضایی هم بکند.

باین حال، نقش پادشاه به شخصیت، مهارت‌های سیاسی و گسترش پایگاه قدرت وی در خانواده سلطنتی بستگی دارد. بر اساس قانون نوشته شده در سال ۱۹۹۲ و طبق ماده ۶ این قانون، شهروندان باید تسلیم حاکمیت پادشاه بر مبنای قرآن و سنت شوند و از وی اطاعت کنند. ماده ۵۷ قانون اساسی عربستان بر حق پادشاه به نصب و تغییر معاونان نخست‌وزیر، وزیران و اعضای شورای وزیران با حکم سلطنتی صحه می‌گذارد. طبق ماده ۶۰، پادشاه فرمانده کل نیروهای مسلح است که عزل و نصب فرماندهان نظامی بر عهده اوست. ماده ۶۱، حق اعلام وضعیت فوق‌العاده، بسیج عمومی و جنگ و صلح را بر عهده پادشاه گذاشته است (Aqaie, 2015: 59-62) بنابراین در عربستان سعودی به صورت تاریخی و قانونی قدرت در انحصار پادشاه است؛ هرچند این امر به ویژگی‌های شخصیتی پادشاه ارتباط مستقیم دارد.

از سوی دیگر، تعامل پویای آل سعود و آل شیخ نیز نقش بسیار مهمی در ساخت داخلی قدرت و حاکمیت و بالتبع در سیاست خارجی عربستان دارد. بررسی تاریخی تحولات سیاسی عربستان نشان می‌دهد که ظهور و سقوط اقتدار مرکزی در عربستان بومی بوده و بدون قدرت و هابیت، آل سعود موفق به تسلط بر عربستان نمی‌شد (2022 al-Rasheed). این مسئله سبب شده و هابیت همواره پیوند ممزوجی با دولت مدرن سعودی داشته باشد و در تمامی ارکان این کشور نفوذ و دولت سعودی از هابیت حمایت کند. همچنین دولت سعودی و هابیت را به عنوان ایدئولوژی نرم خود در کشورهای جهان اسلام تلقی و بر این اساس رفتار می‌کند (Lypp, 2017 2-3). با وجود این، باید در نظر داشت آنچه امروز به نام هابیت در عربستان وجود دارد با قرائت هابیت موسسان آن یعنی ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب تفاوت دارد. هابیت امروز هویت جدیدی به خود گرفته که ناشی از ضرورت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کنونی عربستان و جهان اسلام است (aghaei, 2015: 43). در این میان، ظهور آل سلمان از سال ۲۰۱۵، نقطه عطف جدیدی در روابط آل سعود و آل شیخ را به دنبال داشته است، به گونه‌ای که ترویج سکولاریسم در عربستان افزایش یافته و دولت سعودی در حال تغییر هویت تاریخی خود با هابیت است. محمد بن سلمان در راستای پروژه‌های فرهنگی و اقتصادی خود نفوذ و هابیت را به شدت کاهش داده است (Henderson 2022). با وجود این، نمی‌توان هابیت را به علت ممزوج شدن در تاروپود دولت و ملت سعودی،

به راحتی کنار گذاشت و همچنان وهابیت جدید، عنصر اصلی مذهبی در این کشور است که در سیاست خارجی آن نقش ایفا می کند.

۲-۴ فرهنگ استراتژیک و سیاست خارجی عربستان

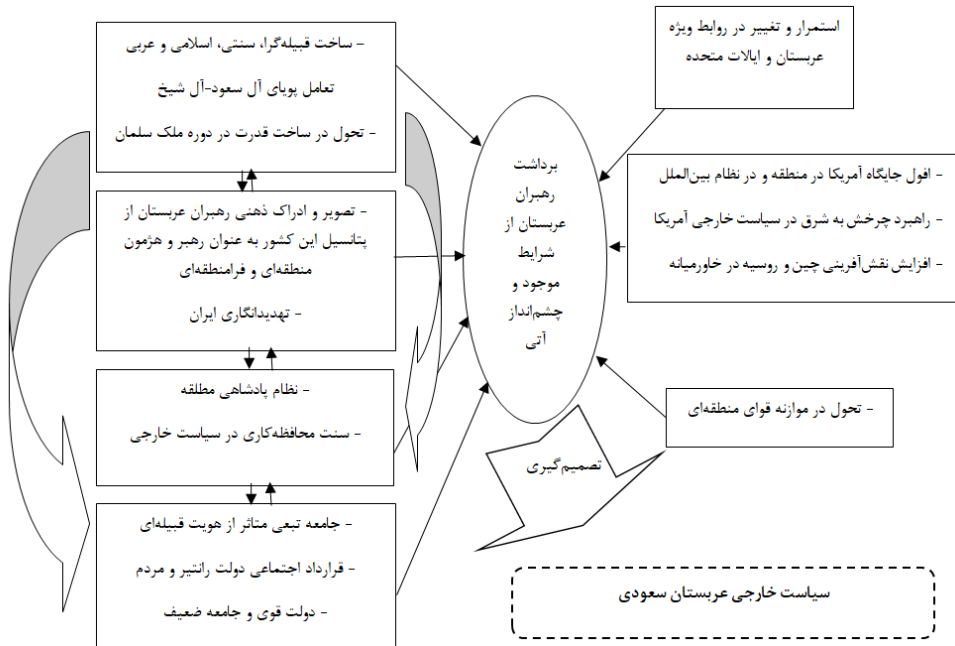
ماهیت و رفتار فرهنگ استراتژیک عربستان متأثر از عناصری مانند ساخت قبیله گرا، سنتی، اسلامی و عربی آن در کنار نظام سیاسی - اعتقادی حاکم بر این کشور پس از سلطه آل سعود و آل شیخ سبب شده که این کشور در سیاست خارجی خود به دنبال حفظ برتری در جهان عرب، ایفای نقش به عنوان رهبر جهان اسلام و تداوم هم پیمانی با قدرت های بزرگ باشد (Khalili, 2017: 103). با وجود این، عربستان در خلال سالیان متمادی، سیاست خارجی محافظه کارانه ای را نیز تحت تأثیر فرهنگ استراتژیک خود در دستور کار قرار داده بود. این مسئله بیش از همه متأثر از ساختار نظام سلطنتی مطلقه این کشور، منافع عربستان از ثبات و حفظ وضعیت موجود برای انتقال انرژی و اهمیت تداوم روابط استراتژیک با غرب و نقش نیابتی آن در تأمین منافع غرب در منطقه بود که به تداوم این سنت محافظه کاری در سیاست خارجی این کشور دامن زده بود. در این میان، ظهور ملک سلمان و تحت تأثیر متغیرهایی مانند تغییر نخبگان حاکم، افول روابط آمریکا و عربستان در دوره اوباما، تضعیف هژمونی آمریکا و تغییر موازنه قوا در خاور میانه پس از بهار عربی و تقویت قدرت ایران و محور مقاومت، زمینه ساز تغییر سیاست محافظه کارانه عربستان به سیاست خارجی تهاجمی بوده است (javidani moghadam & harir forush, 2017: 63-70)

۳-۴. تصویر ذهنی رهبران عربستان از موقعیت خود

تصویر ذهنی حاکمان عربستان از موقعیت این کشور در منطقه و در نظام بین الملل، نقش مهمی در ساخت سیاست خارجی این کشور دارد. از دیدگاه رهبران عربستان، شرایطی مانند موقعیت ژئوپلیتیک ویژه این کشور در بستر دو حوزه راهبردی خلیج فارس و دریای سرخ، رهبری جهان عرب، ام القری جهان اسلام و جایگاه منحصر به فرد آن در بازارهای انرژی جهان، پتانسیل بسیار منحصر به فردی در راستای کسب هژمونی منطقه ای و فرامنطقه ای به این کشور داده است. با وجود این، ادراک رهبران این کشور از برخی همسایگان به ویژه ایران و عراق سبب شده که آنان همواره با وجود مزیت های راهبردی فوق الذکر، نوعی احساس

تهدید را در سیاست‌های خود در نظر بگیرند و نمونه بارز آن را می‌توان جنگ یمن در نظر گرفت. در واقع، بحران یمن واکنش عربستان به دو متغیر داخلی و خارجی بود. متغیر داخلی تهدید شدن مرزها از سوی بازیگر غیرهمسو که ادعایی بر مناطق جنوبی این کشور و متغیر خارجی، تصور گسترش نفوذ ایران به مرزهای زمینی عربستان و کشاندن منازعه به مرزهای خود از سوی ایران بود. این تصویر ذهنی رهبران عربستان در موضوعات مختلف و از جمله بحران‌های بین‌المللی مانند جنگ اخیر اوکراین نیز تأثیرگذار بوده است. چنانچه عبدالعزیز السافر، رئیس و بنیان‌گذار مرکز تحقیقات خلیج فارس، در مورد این جنگ ضمن حمایت از راه‌حل دیپلماتیکی که به جنگ پایان می‌دهد، تأکید کرده که «نگرانی‌ها امنیتی روسیه از گسترش ناتو به شرق را درک می‌کنند.» (Al-sager, 2022)

در این میان، تهدیدانگاری ایران و رقابت میان این کشور با ایران اهمیت بسیاری در سیاست خارجی عربستان به‌ویژه پس از سقوط رژیم بعث در عراق در سال ۲۰۰۳ داشته است. در این زمینه باید در نظر داشت که اگرچه مسلماً این رقابت در دو دهه اخیر افزایش یافته و همواره متغیر ایران عنصر مهم در دستگاه محاسباتی عربستان سعودی بوده است؛ این مسئله صرفاً محصور به دو دهه اخیر یا حتی دوران پس از ظهور انقلاب اسلامی نیست و در دوره قبل از انقلاب نیز رقابت ایران و عربستان چشمگیر بوده است. نفوذ منطقه‌ای ایران به‌خصوص در کشورهای عربی و ایجاد محور مقاومت باعث شده عربستان کنش و واکنش‌های منطقه‌ای خود را در رقابت و منازعه با ایران تعریف کند. این رقابت و نزاع در سال‌های اخیر افزایش یافته است که نمونه‌های آن را می‌توان در یمن، سوریه، عراق، لبنان و برنامه هسته‌ای ایران مشاهده کرد (javidani moghadam & harir forush, 2017: 52-53) بنابراین کنش‌ها و واکنش‌های ایران در دستگاه محاسباتی عربستان در سطح بین‌الملل تأثیرگذار بوده است. در این زمینه، انگاره‌های ذهنی‌ای مانند ارتقای جایگاه ایران در منطقه پس از بهار عربی، افول جایگاه آمریکا در منطقه و نظام بین‌الملل، نقش آفرینی گسترده بازیگران غیرغربی در تحولات آتی خاورمیانه و گسترش روابط ایران با شرق به‌خصوص با روسیه و چین و انعقاد قراردادهای بلندمدت با این دو کشور سبب شده عربستان روابط خود با روسیه و چین را مجدد ارزیابی کند (Pelayo & Webster, 2023). در این شرایط، هم‌اکنون عربستان به دنبال عضویت ناظر در سازمان همکاری شانگهای و عضویت در گروه بریکس است بنابراین گسترش روابط با شرق بخشی از سیاست خارجی جدید عربستان است.



شکل ۲: متغیرهای موثر در ساخت سیاست خارجی عربستان سعودی (منبع: نگارندگان)

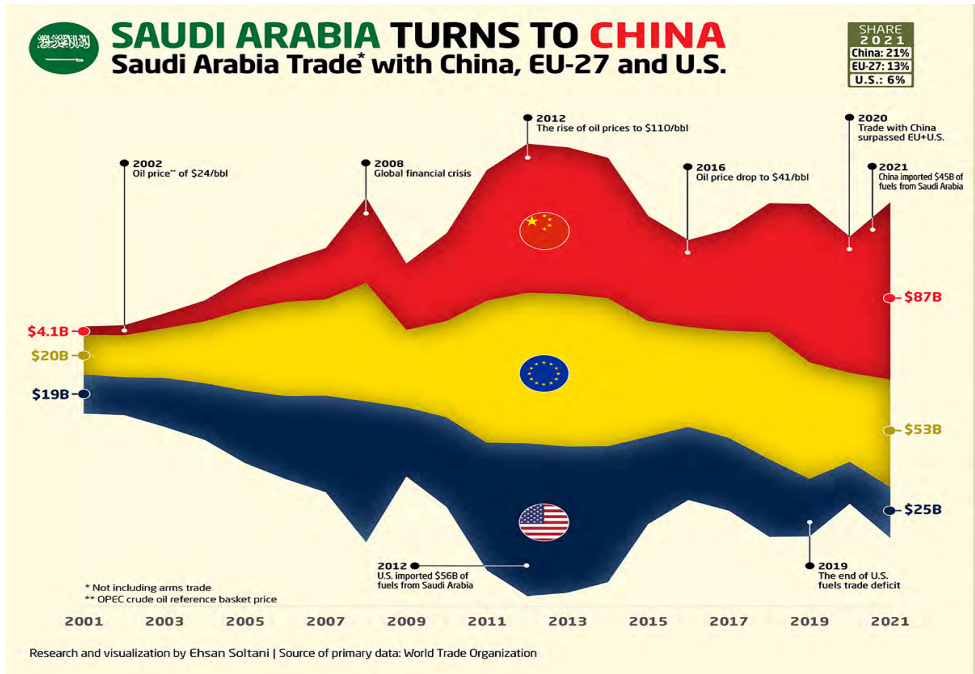
۴-۴. نقش روابط دولت-جامعه در تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه عربستان به ساختار قبیله‌ای این کشور برمی‌گردد. در واقع، در این کشور بافت سنتی قبیله‌ای به‌عنوان عنصر اولیه هویت منشعب از جامعه دینی، زمینه پذیرش حاکمیت تاکنون استمرار داشته و این مسئله در کنار هویت منشعب از جامعه دینی، زمینه پذیرش حاکمیت دوستانه آل سعود- آل شیخ توسط جامعه را به وجود آورده است. از سوی دیگر، با توجه به اینکه این کشور بزرگ‌ترین صادرکننده نفت خام در جهان و دومین تولیدکننده کل میعانات نفتی در جهان پس از ایالات متحده است، نظام اقتصاد سیاسی دولت رانتیر بر روابط دولت و جامعه در این کشور حکم فرما شده است، بدین گونه که با شکل‌گیری دولت قوی و جامعه ضعیف، زمینه شکل‌گیری جامعه مدنی و ارتباط دولت با آن به حداقل تقلیل یافته و با تداوم فرهنگ قبیله‌ای، حاکمیت سیاسی به حیات خود ادامه داده است. علاوه بر این، نوعی قرارداد اجتماعی رانتی میان دولت و جامعه به وجود آمده که عملاً حکمرانی سیاسی با تأمین رفاه مردم به حاکمیت واگذار شده است.

۴-۵. محرک‌های سیستمیک و سیاست خارجی عربستان

بدون‌شک یکی از مهم‌ترین متغیرهای موثر بر سیاست خارجی عربستان به روابط ویژه این کشور با ایالات متحده بازمی‌گردد. در واقع، ایالات متحده نقش بسیار تأثیرگذاری در سیاست خارجی عربستان از آغاز دهه ۳۰ میلادی در قرن گذشته داشته است بنابراین رابطه ویژه میان عربستان و ایالات متحده از سال‌های دهه ۱۹۷۰ به بعد به صورت دو حلقه زنجیره به هم پیوسته درآمده؛ گرچه همیشه مطابق میل هر یک از طرفین نبوده است (Aqaie, 2015: 99-105). در این میان، فضای جنگ سرد در نظام بین‌الملل و تحولات پس از انقلاب اسلامی در منطقه سبب شد این روابط همواره رو به گسترش باشد بنابراین عربستان امنیت خود را با توجه به سطح بازیگری ایران به امنیت آمریکا گره زده بود و به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی عرضه انرژی به جهان نقش مهمی ایفا می‌کرد. از سوی دیگر، این کشور یکی از بزرگ‌ترین خریداران سلاح از ایالات متحده بود. چنانچه در سال ۲۰۲۲، عربستان حدود ۸۰ درصد از کل خرید تسلیحاتی خود را از ایالات متحده دریافت کرد (2023 Sipri Military Expenditure Database).

با وجود این، تغییرات جاری در نظام بین‌الملل، که با سرعت زیادی در حال پیش رفتن است، سبب شده با فهم این تغییرات توسط رهبران عربستان، نقش محرک‌های سیستمیک در سیاست خارجی عربستان نیز دستخوش تغییر شود. در این میان، مسلماً آفول جایگاه آمریکا در منطقه و نظام بین‌الملل، راهبرد چرخش به شرق در سیاست خارجی آمریکا، افزایش نقش آفرینی چین و روسیه در خاورمیانه پس از بهار عربی و تحول در موازنه قوای منطقه‌ای، محرک‌های سیستمیک مهمی در گرایش سیاست خارجی عربستان به شرق بوده‌اند بنابراین عربستان با وجود شراکت راهبردی با ایالات متحده در حال تغییر در استراتژی سیاست خارجی خود است. این کشور در سال‌های اخیر روابط خود را با دو قطب دیگر قدرت یعنی چین و روسیه گسترش داده است (Azad, 2019: 9). در این شرایط، امروزه چین اولین شریک تجاری عربستان محسوب می‌شود. حجم تجارت دو کشور از ۷۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ به ۸۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسیده است (The Observatory of Economic Complexity, 2022). از سوی دیگر، عربستان اکنون یکی از سرمایه‌گذاران در صندوق‌های تجاری روسیه است. همچنین حجم تجاری دو کشور در سال ۲۰۲۲ به بیش از ۱۰ میلیارد دلار رسیده است. علاوه بر این، عربستان به دنبال عضویت ناظر در سازمان همکاری شانگهای و عضویت در گروه بریکس است. بر این اساس، گسترش روابط با شرق بخشی از سیاست خارجی جدید عربستان است.



شکل ۳: مقایسه روند ارتقای چین و افول آمریکا به عنوان شرکای تجاری عربستان سعودی (۲۰۰۲-۲۰۲۲)

۵. پیشینه و ریشه بحران اوکراین و سیاست خارجی عربستان سعودی

ریشه بحران کنونی اوکراین اگرچه به همان آغاز استقلال این کشور پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۹۰ میلادی برمی گردد؛ از سال ۲۰۰۵ و با وقوع انقلاب‌های رنگی به خصوص در اوکراین، تنش بین روسیه و این کشور افزایش پیدا کرد و پس از چند انقلاب رنگی در سال ۲۰۱۴، روسیه در یک اقدام ضربتی، شبه جزیره کریمه را با برگزاری یک همه پرسی به خاک خود ملحق کرد. این پایان تنش بین دو کشور نبود و روسیه در ۲۴ فوریه سال ۲۰۲۲، در یک عملیات ویژه نظامی به خاک اوکراین حمله کرد. این بحران تاکنون ادامه داشته است و به نظر می رسد افق روشنی برای پایان این بحران وجود ندارد.

در این میان، اگرچه علل وقوع بحران اوکراین محل بحث این پژوهش نیست و دلایل مختلفی

در مورد زمینه‌ها و ریشه‌های جنگ اخیر اوکراین ارائه شده است؛ فارغ از قطعیت تخلف روسیه از قاعده آمره منع توسل به زور، شواهد موجود نشان می‌دهد که بسیاری از نظریه‌پردازان غربی و غیرغربی و همچنین رهبران بسیاری از کشورها از جمله دولت‌های عربی مانند عربستان سعودی نقش سیاست توسعه ناتو به شرق به عنوان یکی از متغیرهای موثر در شکل‌گیری این بحران را تصریح می‌کنند. در این زمینه، جان مرشایمر^۷، نظریه‌پرداز واقع‌گرای تهاجمی، تأکید دارد که عامل اصلی بحران اوکراین، گسترش ناتو به شرق و حاصل توهّمات غرب است. در واقع، غرب با توهّمات لیبرالی زمینه برانگیخته شدن پوتین و آغاز جنگ را به وجود آورد (Mearsheimer, 2022). همچنین استفان والت^۸، دیگر نظریه‌پرداز واقع‌گرا و استاد دانشگاه هاروارد نیز تأکید می‌کند که «فاجعه بزرگ این است که کل این ماجرا قابل اجتناب بود. اگر ایالات متحده و متحدان اروپایی‌اش تسلیم غرور، خیال‌پردازی و آرمان‌گرایی لیبرال نمی‌شدند و در عوض بر پیش‌های اصلی واقع‌گرایی تکیه می‌کردند، بحران کنونی رخ نمی‌داد (Walt, 2022). در هر صورت، علل وقوع بحران اوکراین محل بحث این پژوهش نیست، اما تأثیرگذاری آن با حضور بازیگران فزاینده در این بحران باعث شده که کشورهای مختلف مستقیم و غیرمستقیم خود را وارد این کارزار کنند. در این میان، عربستان سعودی نیز غیرمستقیم خود را در این کارزار دیده و به ایفای نقش پرداخته است. این کشور ضمن محکومیت روسیه در مجامع بین‌المللی، از سال ۲۰۱۴ و حتی با وجود بحران سوریه، روابط خود را با روسیه گسترش داده و با تحریم‌های غرب علیه روسیه در بحران اخیر نیز همراهی نکرده است. سیاست عربستان در قبال این بحران را می‌توان در سه حوزه سیاسی، اقتصادی-انرژی و رسانه‌ای مورد ارزیابی قرار داد:

۵-۱. ابعاد سیاسی، مواضع و عملکرد سیاست خارجی عربستان در قبال جنگ اوکراین

عربستان سعودی با برقراری سیاست متوازن در قبال بحران اخیر اوکراین سعی کرده توازن را در کفه ترازو در تعامل میان روسیه و اوکراین رعایت کند بنابراین از یک سو عربستان سعودی از همان آغاز بحران اوکراین، جنگ را در این کشور محکوم کرده (Labow and Silber, 2022) و در اول مارس ۲۰۲۲، کابینه عربستان بر حمایت خود از تلاش‌های بین‌المللی برای کاهش تنش در اوکراین از طریق گفت‌وگو دیپلماسی، بازگرداندن امنیت و ثبات و فراهم کردن بستری برای برگزاری مذاکراتی، که منجر به راه‌حل سیاسی می‌شود، تأکید کرده است. همچنین ولیعهد

7. John Mearsheimer

8. Stephen Walt

عربستان، محمد بن سلمان، در تماس تلفنی با زلنسکی در سوم مارس ۲۰۲۲، بر حمایت پادشاهی از هر اقدامی که به کاهش تنش کمک کند، تأکید کرده و آمادگی ریاض برای تلاش در جهت میانجی‌گری بین همه طرف‌ها و همچنین حمایت خود از همه تلاش‌های بین‌المللی با هدف حل و فصل سیاسی بحران را اعلام کرده است (Labow, 2022). بن سلمان همچنین در گفت‌وگوی تلفنی با زلنسکی در اکتبر ۲۰۲۲، از کمک ۴۰۰ میلیون دلاری به اوکراین خبر داده (Bell, 2022) و در مجامع بین‌المللی از جمله قطع‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل نیز تهاجم روسیه به اوکراین را محکوم کرده است. بن سلمان در این زمینه تأکید کرده که رأی پادشاهی سعودی به قطع‌نامه مجمع عمومی ناشی از تعهد این کشور به اصول ریشه‌دار در منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل و تعهد این کشور به احترام به حاکمیت دولت‌ها و اصول حسن هم‌جواری و حل و فصل مناقشات از راه‌های مسالمت‌آمیز است که بحران اوکراین هم از این امر مستثنا نیست. علاوه بر این، عربستان از زلنسکی برای حضور و سخنرانی در سی‌ودومین نشست سران اتحادیه عرب در ریاض در ۱۹ می ۲۰۲۳ دعوت کرده و زمینه ابراز نظر و جلب حمایت از دولت‌های عربی را در مورد این جنگ فراهم کرده است. از سوی دیگر، شواهد موجود نشان می‌دهد عربستان به دنبال این بوده که این بحران تأثیری بر روابط عربستان با روسیه ایجاد نکند بنابراین اگرچه عربستان از یک‌سو روابط دیپلماتیک خود را با اوکراین حفظ کرده و در مواضع سیاست خارجی خود نیز به حمایت از آن پرداخته؛ در عمل، در تحریم‌های وضع شده علیه روسیه با غرب همکاری نکرده و محمد بن سلمان در تماس تلفنی با پوتین نیز آمادگی مشابهی برای میانجی‌گری ابراز کرده است (Blas, 2022).

۵-۲. سیاست عربستان در قبال عرضه نفت به بازار در خلال جنگ اخیر اوکراین

عربستان به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان نقش مهمی در بازار انرژی ایفا می‌کند بنابراین با توجه به جنگ اوکراین و تحریم همه‌جانبه روسیه، چشم غرب به کشورهای خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی بوده تا ضمن افزایش عرضه نفت به بازار، بخشی از کاهش عرضه نفت روسیه را جبران کند. با وجود این، عربستان در نشست اوپک پلاس، که در نوامبر ۲۰۲۲ برگزار شد، از تصمیم کاهش عرضه دو میلیون بشکه‌ای نفت به بازار در قالب اوپک پلاس حمایت و بن سلمان تصریح کرده که تصمیم به کاهش دو میلیون بشکه در روز، که اوپک پلاس اتخاذ کرده، تا پایان سال ۲۰۲۳ ادامه خواهد داشت. این تصمیم نشان از تمایل عربستان برای افزایش قیمت نفت و انتقال کندتر انرژی داشت (Weiss and Jasmine, 2022).

عربستان سعودی موضع خود را با این واقعیت توضیح داده که اوپک پلاس یک سازمان تجاری و اقتصادی است که بازارها را مدیریت می‌کند نه ژئوپلیتیک را. با این حال، دقیقاً ملاحظات سیاسی است که به وضوح بر رویکرد فعلی ریاض تأثیر می‌گذارد که در آن، این کشور روسیه را شریک اصلی اوپک پلاس می‌داند بنابراین عربستان تمایلی به انزوای روسیه یا نادیده انگاشتن منافع آن ندارد. در واقع، عربستان از این طریق سیگنالی ضمنی به واشنگتن و بروکسل ارسال کرده که در صورت اعمال تحریم علیه روسیه، حمایتی از آن نخواهد کرد (Bobkin, 2022: 8)

۵-۳. سیاست رسانه‌ای عربستان در قبال جنگ اوکراین

عربستان سعودی از معدود کشورهای حوزه شورای همکاری خلیج فارس است که رسانه‌های متعددی در حوزه‌های مختلف دارد. در این بین، رسانه‌های ماهواره‌ای همچون «العربیه» و «الحدث» در کنار شبکه پرمخاطب «ام.بی.سی.»^۹، روزنامه‌های پرمخاطب همچون «عرب‌نیوز» و «عکاظ» و شبکه خبری «عرب‌نیوز» به عنوان بازوهای رسانه‌ای دولت سعودی به شمار می‌روند. در این میان، یکی از نقاط قابل توجه در طول جنگ اوکراین، استفاده نکردن از کلمه «عدوان» به معنی جنگ روسیه علیه اوکراین است. رسانه‌های سعودی در طول یک سال اخیر جنگ به هیچ وجه از کلیدواژه جنگ روسیه علیه اوکراین استفاده نکرده و آن را جنگ روسیه و اوکراین یا جنگ نیابتی بین روسیه و ناتو نامیده‌اند. این رسانه‌ها معمولاً حملات به ارتش روسیه در شهرهای مختلف اوکراین از جمله پایتخت و عقب‌نشینی ارتش روسیه از برخی مناطق اوکراین را نیز صرفاً به صورت خبری پوشش می‌دهند و وارد فضای رسانه‌ای و تحلیلی نمی‌شوند. از سوی دیگر، در حالی که خبرگزاری‌ای مانند الجزیره بیش از ۱۳ خبرنگار در اوکراین دارد، کل خبرنگاران سعودی حاضر در اوکراین که جنگ را پوشش می‌دهند دو خبرنگار هستند که برای شبکه العربیه و الحدث گزارش تهیه می‌کنند. این خبرنگاران نیز بیش از اینکه بر وضعیت میدان جنگ در اوکراین تأکید کنند بر موج مهاجرت تأکید می‌کنند. در واقع، به نظر می‌رسد رسانه‌های سعودی، جنگ اوکراین را کاملاً یک بحران اروپایی ارزیابی کرده و در همین راستا خط رسانه‌ای ایجاد کرده‌اند. این مسئله بدین دلیل است که سیاست رسانه‌ای سعودی با توجه به مالکیت شاهزادگان دولت سعودی بر این رسانه‌ها و نداشتن استقلال رسانه‌ای، کاملاً در راستای سیاست موازنه دولت سعودی در جنگ اوکراین بوده است.

۶. انگیزه‌ها و دلایل سیاست متوازن عربستان سعودی در قبال جنگ اوکراین

سیاست متوازن عربستان در جنگ اوکراین را می‌توان با توجه به مدل واقع‌گرایی نئوکلاسیک سیاست خارجی که اشاره شد، تبیین کرد. در این زمینه، نقش ادراک رهبران سعودی از جنگ اوکراین، احساس مشابه تهدید ژئوپلیتیک، اقتصاد رانتیر، تحول در روابط ویژه عربستان با ایالات متحده و تغییرات ساختاری در نظام بین‌الملل به صورت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست خارجی عربستان در قبال این بحران تأثیرگذار بوده‌اند. در واقع، از یک سو سیاست خارجی عربستان تحت تأثیر برداشت رهبران آن از جنگ اوکراین شکل گرفته که جنگ در اوکراین را یک درگیری پیچیده اروپایی و متأثر از گسترش ناتو به شرق می‌دانند که در آن نیازی به مشارکت فعال این کشور و سایر کشورهای عربی در برابر دولت روسیه وجود ندارد. بر این اساس، تحت تأثیر روابط کشورهای عربی و غرب و به ویژه عربستان و آمریکا، هیچ دولت عربی - به جز سوریه - صراحتاً از حمله روسیه، اشغال و الحاق سرزمین اوکراین حمایت نکرده‌اند (Cafiero, 2022)، و چهار کشور خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، به تصویب قطع‌نامه‌ای در مورد محکوم کردن تهاجم روسیه رای داده‌اند و خواستار خروج نظامی روسیه شده‌اند، اما آنان در سیاست‌های اعمالی خود به مقابله جدی با روسیه و همراهی در تحریم‌های اقتصادی علیه این کشور به ویژه در سیاست انرژی خود نپیوسته‌اند.

از سوی دیگر، مشابهت و قرابت ملاحظات ژئوپلیتیک و تهدیدانگاری رهبران عربستان از گسترش حضور و فعالیت ایران در منطقه به ویژه در یمن با دیدگاه رهبران روس نسبت به اوکراین و تهدید گسترش ناتو به شرق در خارج نزدیک روسیه نیز عامل مهمی در اتخاذ سیاست متوازن عربستان در جنگ اوکراین بوده است. در واقع، مقامات عربستانی دلایل آغاز و ادامه جنگ روسیه در اوکراین را مانند دلایل و انگیزه‌های خود در آغاز جنگ یمن ارزیابی می‌کنند. در این زمینه، دکتر عبدالعزیز سایر، رئیس و بنیان‌گذار مرکز تحقیقات خلیج فارس، در تبیین رویکرد سیاسی عربستان در قبال بحران اوکراین تأکید می‌کند که «در حالی که کشورهای خلیج (فارس) کامل به روایت روسیه پایبند نیستند، آن‌ها نگرانی‌های امنیت ملی مسکو در مورد پشت پرده این جنگ را درک می‌کنند. آنچه از دیدگاه عربستان قابل توجه است، شباهت میان اوکراین و یمن است. در یمن، عربستان سعودی از یک مرز امن، یک دولت دوست عاری از نفوذ خصمانه و بدون تهدید نظامی گسترده حمایت می‌کند. روسیه تا حدودی همین مشکل را با اوکراین و توسعه ناتو در این منطقه دارد بنابراین با توجه به این واقعیت که با شرایط مشابهی مواجه

شده ایم، نگرانی‌های امنیتی روسیه در این زمینه در میان کشورهای حوزه خلیج فارس و فواتر از آن در بسیاری از کشورهای عربی دیده می‌شود» (Al-Sager 2022).

برداشت رهبران عربستان از افول جایگاه آمریکا و نظم نوین در حال شکل‌گیری در نظام بین‌الملل و گسترش تعاملات با شرق نیز عامل دیگری است که نقش مهمی در پیگیری سیاست متوازن عربستان در قبال جنگ اوکراین-علی‌رغم روابط خاص این کشور با ایالات متحده- داشته است. این مسئله سبب شده عربستان از فشار غرب برای همسویی در برابر مسکو سرپیچی کند. از نظر عربستان، در شرایط جدید، حفظ بی‌طرفی نسبی و پیگیری سیاست متوازن میان روسیه و غرب، منافع عربستان را بهتر تأمین می‌کند بنابراین عربستان در این جنگ به دنبال ارسال پیامی به ایالات متحده است که نشان دهد این کشور دیگر صرفاً تابع مطلق سیاست‌های آمریکا نخواهد بود. این وضعیت نشان‌دهنده ناراضی‌های عربستان از سیاست‌های آمریکا در قبال این کشور در سال‌های اخیر به‌ویژه در قبال تهدید ایران و سیاست چرخش به شرق و تمرکززدایی از خاور میانه است. در این زمینه، جerald فایرشتاین، سفیر سابق آمریکا در یمن و معاون ارشد موسسه خاور میانه، معتقد است که سعودی‌ها در سال‌های اخیر تأکید کرده‌اند که به دنبال اجتناب از درگیری در «رقابت قدرت‌های بزرگ» هستند. آنان به صراحت اعلام کرده‌اند که منافع آن‌ها بر حفظ روابط قوی با شریک امنیتی اصلی خود، ایالات متحده متمرکز شده است، اما شریک شماره یک اقتصادی آن‌ها، چین و شریک اصلی آن‌ها در اوپک پلاس، روسیه است (Feierstein, 2022). در این چهارچوب، سیاست این کشور برای گشایش، تقویت روابط چندجانبه، یافتن شرکای جدید و مناسب‌تر در چهارچوب برنامه توسعه و به‌عبارتی یافتن مسیر در یک سیستم جدید، پیچیده و چندقطبی، یکی از محرک‌های مهم در پیگیری سیاست متوازن در جنگ اوکراین بوده است (Jabarova, 2023). از سوی دیگر، متغیر اقتصاد رانتیر عربستان و تلاش آن برای حفظ قیمت نفت در بازارهای جهانی را نیز نباید نادیده گرفت. کاهش قیمت نفت با توجه به اقتصاد تک‌محصولی عربستان می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیر اقتصادی به‌خصوص با توجه به سرمایه‌گذاری عظیم بن سلمان در پروژه ۲۰۳۰ به دنبال داشته باشد بنابراین هرچند عربستان در حال تنوع دادن به حوزه سیاست خارجی خود در نظام بین‌الملل است و ساختار در حال تغییر را درک کرده، اما آنچه برای سعودی‌ها مهم است منافع ملی است و کاهش قیمت نفت می‌تواند ضربه مهلکی به سیاست‌های انرژی عربستان وارد کند. به همین دلیل، در طول یک سال جنگ اخیر اوکراین، سعودی‌ها از افزایش عرضه نفت به بازار خودداری کرده‌اند و این سیاست برای روسیه منفعی در برداشته است.

۷. نتیجه گیری

جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ یکی از مهم‌ترین جنگ‌های نیابتی غرب با روسیه پس از جنگ سرد به حساب می‌آید. اهمیت این مسئله سبب شده کشورهای مختلف متناسب با روابط سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود با هر یک از دو طرف منازعه، سیاست‌های متفاوتی در قبال آنها اتخاذ کنند. در این میان، اگرچه بسیاری از کشورها از جمله دولت‌های عربی از تهاجم روسیه به اوکراین انتقاد کرده‌اند؛ علی‌رغم گرایش سیاسی - امنیتی آنان به غرب، اکثر آنان به‌ویژه عربستان سعودی، سیاست خارجی متوازنی را در این جنگ در میانه روسیه و غرب اتخاذ کرده‌اند. تحلیل رفتارشناسی عربستان در این زمینه متأثر از دو دسته متغیرهای موثر در ساخت سیاست خارجی آن قابل تبیین است. در عربستان سعودی، متأثر از فرهنگ استراتژیک آن (ساخت قبیله‌گرا، سنتی، اسلامی و عربی)، نظام پادشاهی مطلقه، جامعه تبعی متأثر از هویت قبیله‌ای و قرارداد اجتماعی دولت رانتیر و مردم و شکل‌گیری دولت قوی و جامعه ضعیف، صرفاً حاکمیت اقتدارگرایی این کشور سیاست خارجی را تدوین و اجرا می‌کند. بر این اساس، برداشت رهبران عربستان از موقعیت خود و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی نقش بسیار مهمی در سیاست‌گذاری خارجی این کشور دارد. در این چهارچوب، از یک سو جنگ اوکراین از دیدگاه رهبران عربستان، متأثر از گسترش ناتو به شرق عملاً آوردگاه غرب و شرق است بنابراین از نظر عربستان که همواره برداشت تهدیدآمیزی از گسترش نفوذ ایران در منطقه به‌ویژه پس از بهار عربی و به‌خصوص در یمن از سال ۲۰۱۵ داشته، واکنش روسیه در قالب تهاجم به اوکراین برای مقابله با گسترش ناتو کاملاً قابل‌درک است. با وجود این، اهمیت حفظ روابط ویژه و راهبردی عربستان و غرب سبب شده این کشور در سیاست‌های اعلامی و مواضع سیاست خارجی خود و از جمله در قطع‌نامه‌های سازمان ملل علیه روسیه موضع گرفته و به اقداماتی مانند اختصاص کمک ۴۰۰ میلیون دلاری به اوکراین و دعوت رسمی از زلنسکی برای شرکت در نشست سران اتحادیه عرب در ریاض مبادرت ورزد. از سوی دیگر، رهبران عربستان با نارضایتی از سیاست‌های آمریکا در سال‌های اخیر به‌ویژه در قبال ایران و سیاست چرخش به شرق و تمرکززدایی از خاورمیانه و همچنین با ادراک افول جایگاه آمریکا در نظام بین‌الملل و ضرورت بازسازی روابط خارجی خود در نظم نوین جهانی، گرایش به شرق و نزدیکی روابط با چین و روسیه را نیز در دستور کار خود قرار داده‌اند. این مسئله سبب شده آنان در دو حوزه اقتصادی و انرژی با همراهی نکردن با تحریم‌های غرب علیه روسیه و تداوم همکاری با روسیه در قالب اوپک پلاس و در حوزه

رسانه‌ای با پوشش رسانه‌ای ندادن چالش‌های روسیه، روابط خود را با دو طرف منازعه حفظ کنند. در این چهارچوب، عربستان سعودی همچنان به یک سیاست خارجی چندجانبه متعهد است که به موجب آن به دنبال متعادل کردن شراکت سنتی با آمریکا و اروپا با روابط نزدیک‌تر با قدرت‌های غیرغربی مانند چین، روسیه و هند است. گفت‌وگوهای اخیر عربستان سعودی با چین درباره قیمت‌گذاری قراردادهای نفتی به یوان، به تمایل بالقوه این کشور برای مشارکت در فشارهای مورد حمایت کرملین برای سیستم پرداخت خارج از کنترل آمریکا اشاره دارد بنابراین برداشت نخبگان حاکم این کشور از جنگ اوکراین در کنار عملکرد ایالات متحده در سال‌های اخیر در قبال خاورمیانه به‌ویژه ایران و کاهش تعهدات آمریکا در این منطقه، قدرت گرفتن چین است و چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی باعث شده این کشور سیاست «متوازن» (نه «خنثی») را در پیش بگیرد تا روابط خود را با دو طرف منازعه حفظ کند.

References

- Aghaei, dav (2015). Politics and government in Saudi Arabia, Mezan, Tehran.[in persian]
- Akinci, Basri Alp (2018). Turkish Foreign policy-making Vis-à-vis the Ukraine Crisis from Sevres Syndrome and Russo phobia perspective, İstanbul Bilgil University.
- Al-Sager, Abdulaziz (2022). The Ukraine Crisis and the Gulf: A Saudi Perspective, Institute Montaigne, October, 18, Available at: <https://www.institutmontaigne.org/en/analysis/ukraine-crisis-and-gulf-saudi-perspective>
- Al-Rasheed, Madawi (2022). Mohammed bin Salman is taking risks by rewriting Saudi history, Middle East Eye, Available at: <https://www.middleeasteye.net/opinion/saudi-arabia-mbs-reinvention-history-legitimacy-crisis>.
- Andrew ,Weiss; Alexander Greene, Jasmine (2022). What's Driving Russia's Opportunistic Inroads with Saudi Arabia and the Gulf Arabs, Carnegie Endowment for International Peace, Available at: <https://carnegieendowment.org/2022/10/05>.
- Azad, Shirzad (2019). Saudi Arabia Looks East: Imperatives and Implications, The International Spectator, Vol. 54, Issue 3, Pp. 139-152 .[in persian]
- Bakr, Kinda ;Zaporizka, Iryna (2021). Ukraine-Saudi Arabia Relations: Challenges and Prospects for Further Cooperation Joint paper, The Gulf Research Center, Pp. 1-14.
- Bell, Jennifer (2022). Saudi Crown Prince announces \$400 million in humanitarian aid for Ukraine, english.alarabiya. Available at: <https://english.alarabiya.net/News/saudi-arabia/2022/10/15>
- Blas, Javier (2022). Ukraine Crisis Creates a Winner in Saudi Arabia, Bloomberg. Availableat:<https://www.bloomberg.com/opinion/articles/2022-02-15>

- Cafiero, Giorgio (2022). Analysis: The Russia-Ukraine war and the view from Saudi Arabia, Aljazeera. Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2022/10/24/analysis-russia-ukraine-war-view-from-saudi-arabia>
- Dehghani Firoozabadi, Jalal (2011). Neoclassical realism and the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, Foreign Policy Quarterly, Vol. 25, No. 2. [in persian]
- Helalat, Emad (2022). A comparative study of Russia's foreign policy towards Saudi Arabia and Qatar (2000-2022), Allameh Tababaei University (Master's thesis), pp. 150-1. [in persian]
- Helalat, Emad ; Hakim, Hamid (2023). comparative analysis of Iran and Israel's policy towards the Ukraine crisis, Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Vol. 5, Issue 3, No. 17, Pp. 169-196. [in persian]
- Henderson, Simon (2020). Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism the Washington Institute, Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism>
- Jabarova, Shovkat (2023). What Effects Does the Ukrainian Conflict Have on Ties between the United State, Saudi Arabia and Russia? Transatlantic Policy Quarterly, March 1, Available at: <http://transatlanticpolicy.com/article/1188/what-effects-does-the-ukrainian-conflict-have-on-ties-between-the-united-states-saudi-arabia-and-russia>
- Javdani Moghadam, Mehdi ;Harir Forush Hamed (2017). Analyzing the contexts and modern foreign policy of Saudi Arabia in the Middle East, Iranian political research, Vol. 5, No. 15, Pp. 51-74. [in persian]
- Joseph, Jonathan (2015). Realism and neorealism in international relations theory. In Gibbons M. T. (Ed.), The Encyclopedia of political thought, pp. 1-9. John Wiley & Sons.
- Kozhanov, Nikolay (2022). Russia's Relations with the GCC and Iran, Palgrave Macmillan.

- Labow, Hannah (2022). Middle East Responses to the Ukraine Crisis, The Washington Institute For Near East Polosy. Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/middle-east-responses-ukraine-crisis>
- Labow, Hannah; Silber, Carol (2022). Middle East Responses to the Ukraine Crisis, The Washington Institute Middle East. Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/middle-east-responses-ukraine-crisis>
- Lypp, Jacob (2017). From territorial conquest to global calling. The roots and transformations of the Saudi-Wahhabi da'wa, from Kuwait and Sciences, pp1-16, Available at: https://www.sciencespo.fr/Kuwait-program/wp-content/uploads/2018/05/KSP_Paper_Award_Spring_2017_LYPP_Jacob.pdf
- Mearsheimer, John (2022). John Mearsheimer on Putin's Ambitions after Nine Months of War, The New Yorker, Available at: <https://www.newyorker.com/news/q-and-a/john-mearsheimer-on-putins-ambitions-after-nine-months-of-war>
- Moshirzadeh, Hamira (2016). Evolution in theories of international relations, Tehran: SAMT. [in persian]
- Nikolaevich Bobkin, Nikolai (2022). Impact of the Ukrainian Conflict on US Relations with Countries in the Middle East, Available at: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC10052297>
- Omar, Ali Abdi (2013). Is There Anything 'New' in Neoclassical Realism? E-International Relations, Pp. 1-4.
- Reza Khalili (2017). Saudi Arabias Strategic Culture, Strategic Studies Quarterly, Vol. 20, Issue 75 ,No. 1. [in persian]
- Schmidt, Brian C. (2005). Competing Realist Conceptions of Power, Journal of International Studies, Vol. 33, Issue 3.
- Sipri Military Expenditure Database (2023). World military expenditure reaches new record high as European spending surges, April, 24, Available at: <https://www.sipri.org/media/press-release/2023/world-military-expenditure->

reaches-new-record-high-european-spending-surges.

Smith, Nicholas Ross (2016). The EU under a realist scope: Employing a neoclassical realist framework for the analysis of the EU's Deep and Comprehensive Free Trade Agreement offer to Ukraine. *International Relations*, 30(1), Pp. 29-48.

tabeafshar, sanaz; Barzegar, Kayhan (2017). Neoclassical Realism and American Foreign Policy; A Theoretical Analysis of Understanding US Foreign Policy, *Political and International Approaches*, Vol. 8, Issue 1 , No. 47.[in persian]

The Observatory of Economic Complexity (2023). Available at: <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/chn/partner/sau>

Timofta, Cosmin (2022). Between a Rock and a Hard Place: The UAE and Saudi Arabia Face the Pressure over Ukraine War, *Institute of New Europe*, June 27, Available at: <https://ine.org.pl/en/between-a-rock-and-a-hard-place-the-uae-and-saudi-arabia-face-the-pressure-over-ukraine-war>

Walt, Stephen (2022). Liberal Illusions Caused the Ukraine Crisis, *Foreign Policy*, Available at: <https://foreignpolicy.com/2022/01/19/ukraine-russia-nato-crisis-liberal-illusions>

Webster, Joseph ; Joze, Pelayo (2023). China is getting comfortable with the Gulf Cooperation Council. The West must pragmatically adapt to its growing regional influence. *Atlantic Council*, Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/china-is-getting-comfortable-with-the-gulf-cooperation-council-the-west-must-pragmatically-adapt-to-its-growing-regional-influenc>.